

بعلاوه آنها طبق آیاتی که قبلا اشاره کردیم در پیشگاه با عظمت او خاضعند و در برابر قوانین آفرینش تسلیم، و از سوی دیگر با تمام وجود خود صفات کمالیه خدا را بازگو می کنند، و هر گونه نقصی را از او نفی می نمایند، و به این ترتیب عبادات چهارگانه آنها حمد و تسبیح و دعا و سجود تکمیل می شود.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۵۰۱

آیه ۴۳ - ۴۵

آیه و ترجمه

إِلهٍ تَرَاهُ اللَّهُ يَرْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَّامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خَلَالِهِ وَيَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنْ مَنْ يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقُهُ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ ۣۣۣۣ
يَقْلِبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لَأُولِي الْأَبْصَارِ ۣۣۣۣ
وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۣۣۣۣ

ترجمه :

۴۳ - آيا نديدي که خداوند ابرهائي را به آرامي ميراند، سپس ميان آنها پيوند مي دهد و بعد آن را متراکم مي سازد، در اين حال دانه هاي باران را مي بيني که از

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۵۰۲

آن خارج می شود، و از آسمان - از کوههائي که در آنست - دانه هاي تگرگ نازل می کند، و هر کس را بخواهد به وسيله آن زيان می رساند و از هر کس بخواهد اين زيان را بر طرف می کند، نزديک است درخشندگي برق آن (ابرها) چشمها را ببرد!

۴۴ - خداوند شب و روز را دگرگون می سازد، و در اين عبرتي است برای صاحبان بصيرت.

۴۵ - و خداوند هر جنبنده‌ای را از آبی آفرید، گروهی از آنها بر شکم خود راه می‌روند، و گروهی بر دو پای خود، و گروهی بر چهار پا راه می‌روند، خداوند هر چه را اراده کند می‌آفریند، چرا که خدا بر همه چیز تواناست.

تفسیر:

گوشه‌ای دیگر از شگفتیهای آفرینش

باز در این آیات به گوشه دیگری از شگفتیهای آفرینش و علم و حکمت و عظمتی که ماورای آن نهفته است برخورد می‌کنیم که همه دلائل توحید ذات پاک اویند.

باز روی سخن را به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کرده می‌گوید: «آیاندیدی که خداوند ابرهائی را به آرامی می‌راند، سپس آنها را با هم پیوند می‌دهد، و بعد متراکم می‌سازد»؟! (الم تر ان الله یزجی سحابا ثم یولف بینه ثم یجعلہ رکاما).

«و در این حال دانه‌های باران را می‌بینی که از لابلای ابرها خارج می‌شوند» و بر کوه و دشت و باغ و صحرا فرو می‌بارند (فتری الودق یخرج من خلاله).

«یزجی» از ماده «از جاء» به معنی راندن با ملایمت است، راندنی که برای ردیف کردن موجودات پراکنده می‌باشد، و این تعبیر دقیقا در مورد ابرها صادق است که هر قطعه‌ای از آن از گوشه‌ای از دریاها برمی‌خیزد، سپس دست قدرت پروردگار آنها را به سوی هم می‌راند و پیوند می‌دهد، و متراکم می‌سازد.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۵۰۳

«رکام» (بر وزن غلام) به معنی اشیائی است که روی هم متراکم شده‌اند. و اما «ودق» (بر وزن شرق) به عقیده بسیاری از مفسران به معنی دانه‌های باران است که از خلال ابرها بیرون می‌آید، ولی به گفته «راغب» در «مفردات» معنی دیگری نیز دارد، و آن ذرات بسیار کوچکی از آب است که به صورت غبار به هنگام نزول باران در فضا پراکنده می‌شود، ولی معنی اول در اینجا مناسبتر است، زیرا آنچه بیشتر نشانه عظمت پروردگار است همان دانه‌های حیاتبخش باران می‌باشد نه آن ذرات غبار مانند آب. بعلاوه در هر مورد که قرآن مسأله ابرها و نزول برکات را از آسمان مطرح

کرده به مسأله باران اشاره می کند.

آری باران است که زمینهای مرده را زنده می کند، لباس حیات در پیکر درختان و گیاهان می پوشاند، و انسان و حیوانات را سیراب می کند.

سپس به یکی دیگر از پدیده های شگفت انگیز آسمان و ابرها اشاره کرده می گوید: «و خدا از آسمان، از کوههایی که در آسمان است، دانه های تگرگ نازل می کند» (و ينزل من السماء من جبال فيها من برد).

«تگرگهایی که هر کس را بخواهد به وسیله آن زیان می رساند» شکوفه های درختان، میوه ها و زراعتها، و حتی گاه حیوانات و انسانها از آسیب آن در امان نیستند (فیصیب به من یشاء).

«و از هر کس بخواهد این عذاب و زیان را بر طرف می سازد» (و یصرفه عن یشاء).

آری او است که از یک ابر گاهی باران حیاتبخش نازل می کند و گاه با مختصر تغییر آن را مبدل به تگرگهای زیانبار و حتی کشنده می کند، و این نهایت قدرت و عظمت او را نشان می دهد که سود و زیان و مرگ و زندگی انسان را در کنار هم چیده بلکه در دل هم قرار داده است!

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۵۰۴

و در پایان آیه به یکی دیگر از پدیده های آسمانی که از آیات توحید است اشاره کرده می گوید: «نزدیک است درخشندگی برق ابرها، چشمهای انسان را ببرد» (یکاد سنا برقه یذهب بالابصار).

ابرهایی که در حقیقت از ذرات آب تشکیل شده است به هنگامی که حامل نیروی برق می شود، آنچنان «آتشی» از درونش بیرون می جهد که برقش چشمها را خیره، و رعدش گوشها را از صدای خود پر می کند، و گاه همه جا را می لرزاند، این نیروی عظیم در لابلای این بخار لطیف راستی شگفت انگیز است!

پاسخ به یک سؤال تنها

سؤالی که در اینجا باقی می ماند این است که این کدام کوه در آسمان است که تگرگها از آن فرو می ریزند، در اینجا مفسران بیانات مختلفی دارند:

۱ - بعضی گفته اند «جبال» (کوهها) در اینجا جنبه کنائی دارد، همانگونه که می گوئیم کوهی از غذا، یا کوهی از علم، بنابراین مفاد آیه فوق این است که

درواقع کوهی و توده عظیمی از تگرگ به وسیله ابرها در دل آسمان به وجود می‌آید، و از آنها بخشی در شهر، و بخشی در بیابان فرو می‌ریزد، و حتی کسانی مورد اصابت آن قرار می‌گیرند.

۲ - بعضی دیگر گفته‌اند منظور از کوهها، توده‌های عظیم ابر است که در عظمت و بزرگی بسان کوه است.

۳ - نویسنده تفسیر «فی ظلال» در اینجا بیان دیگری دارد که مناسبتر به نظر می‌رسد و آن اینکه توده‌های ابر در وسط آسمان به راستی شبیه کوهها هستند گرچه از طرف پائین به آنها می‌نگریم صافند. اما کسانی که با هواپیما بر فراز ابرها حرکت کرده‌اند غالبا با چشم خود این منظره را دیده‌اند که ابرها از آن سو به کوهها و دره‌ها و پستیها و بلندیهای می‌مانند که در روی زمین است،

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۵۰۵

و به تعبیر دیگر سطح بالای ابرها هرگز صاف نیست، و همانند سطح زمین دارای ناهمواریهای فراوان است، و از این نظر اطلاق نام جبال بر آنها مناسب است.

بر این سخن می‌توان این نکته دقیق را افزود که به عقیده دانشمندان تکنون تگرگ در آسمان به این طریق است که دانه‌های باران از ابر جدا می‌شود، و در قسمت فوقانی هوا به جبهه سردی برخورد می‌کند و یخ می‌زند، سپس طوفانهای کوبنده‌ای که در آن منطقه حکمفرما است گاهی این دانه‌ها را مجدداً به بالا پرتاب می‌کند، و بار دیگر این دانه‌ها به داخل ابرها فرو می‌رود و لایه دیگری از آب به روی آن می‌نشیند که به هنگام جدا شدن از ابر مجدداً یخ می‌بندد، و گاهی این موضوع چندین بار تکرار می‌شود و هر زمان لایه تازه‌ای روی آن می‌نشیند تا تگرگ به اندازه‌ای درشت شود که دیگر طوفان نتواند آن را به بالا پرتاب کند، اینجا است که راه زمین را به پیش می‌گیرید و فرود می‌آید، و یا اینکه طوفان فرومی‌نشیند و بدون مانع به طرف زمین حرکت می‌کند.

با توجه به این مطلب، نکته علمی که در کلمه جبال در اینجا نهفته است روشنتر می‌شود، زیرا به وجود آمدن تگرگهای درشت و سنگین در صورتی امکان پذیر است که توده‌های ابر متراکم گردند، تا هنگامی که طوفان دانه یخ زده تگرگ را به میان آن پرتاب می‌کند مقدار بیشتری آب به خود جذب نماید،

و این تنها در آنجاست که توده‌های ابر بسان کوههای مرتفع در جهت بالا قرار گیرد و منبع قابل ملاحظه‌ای برای تکون تگرگ شود (دقت کنید).

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۵۰۶

در اینجا تحلیل دیگری از بعضی از نویسندگان می‌خوانیم که خلاصه آن چنین است:

«در آیات مورد بحث ابرهای بلند صریحا به کوههایی از یخ اشاره می‌کند و یا به تعبیر دیگر کوههایی که در آن نوعی از یخ وجود دارد و این بسیار جالب است، زیرا بعد از اختراع هواپیما و امکان پروازهای بلند که دید دانش بشر را وسعت بخشید، دانشمندان به ابرهایی متشکل و مستور از سوزنهای یخ رسیدند که درست عنوان کوههایی از یخ بر آنها صادق است، و باز هم عجیب است که یکی از دانشمندان شوروی در تشریح ابرهای رگباری طوفانی، چندین بار از آنها به عنوان «کوههای ابر» یا «کوههایی از برف» یاد کرده است، و به این ترتیب روشن می‌شود که برآستی در آسمان کوههایی از یخ وجود دارد. در آیه بعد به یکی دیگر از آیات خلقت و نشانه‌های عظمت پروردگار که همان خلقت شب و روز و ویژگیهای آنها است اشاره کرده می‌فرماید: «خداوند شب و روز را دگرگون می‌سازد، و در این، عبرتی است برای صاحبان بصیرت» (یقلب الله الليل و النهار ان فی ذلک لعبرة لاولی الابصار). در اینکه این دگرگونی از چه نظر است چند تفسیر ذکر کرده‌اند: بعضی آن را به معنی آمد و شد شب و روز گرفته‌اند که یکی می‌آید و دیگری راحو می‌کند.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۵۰۷

و بعضی آن را به معنی کوتاه شدن یکی و طولانی شدن دیگری که به صورت تدریجی انجام می‌یابد دانسته‌اند که پیدایش فصول نیز با آن مربوط است.

و بالاخره بعضی آن را به معنی دگرگونیهای از قبیل گرما و سرما و حوادث دیگری که در شب و روز صورت می‌گیرند دانسته‌اند. ولی ناگفته پیداست که این تفسیرها هیچگونه منافاتی با هم ندارند و ممکن است همه آنها در مفهوم جمله «یقلب» جمع باشد.

بدون شک - همانگونه که علم ثابت کرده است - هم آمد و شد شب و روز و هم تغییرات تدریجی آنها برای انسان جنبه حیاتی دارد، و درس عبرتی است برای «اولی الابصار».

تابش یکنواخت آفتاب، درجه حرارت هوا را بالا می برد و موجودات زنده رami سوزاند، اعصاب را خسته می کند، اما هنگامی که در لابلای این تابش پرده های ظلمت شب قرار می گیرید آن را کاملاً تعدیل می کند. تغییرات تدریجی روز و شب که سرچشمه پیدایش فصول چهارگانه است عامل بسیار مؤثری برای بارور شدن گیاهان و حیات تمام موجودات زنده و نزول بارانها و ذخیره آب در زمینها است. آخرین آیه مورد بحث به یکی از مهمترین چهره های نظام آفرینش که از روشنترین دلایل توحید است یعنی مسأله حیات در صورتهای متنوعش اشاره کرده می گوید: «خداوند هر جنبنده ای را از آبی آفرید» (و الله خلق کل دابة من ماء).

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۵۰۸

و با اینکه اصل همه آنها به آب باز می گردد با این حال خلقتهای بسیار متفاوت و شگفت انگیزی دارند: «گروهی از آنها بر شکم خود راه می روند» (خزندگان) (فمنهم من یمشی علی بطنه). «و گروهی بر روی دو پا راه می روند» (انسانها و پرندگان) (و منهم من یمشی علی رجلیه). «و گروهی بر روی چهار پا راه می روند» (چهارپایان) (و منهم من یمشی علی اربع). تازه منحصر به اینها نیست و حیات چهره های فوق العاده متنوع دارد اعم از موجوداتی که در دریا زندگی می کنند و یا حشرات که هزاران نوع دارند و هزاران صورت لذا در پایان آیه می فرماید: «خداوند هر چه را اراده کند می آفریند» (یخلق الله ما یشاء). «چرا که خدا بر همه چیز توانا است» (ان الله علی کل شیء قدیر).

نکته ها:

منظور از «ماء» در اینجا چیست؟
در اینکه کلمه «ماء» (آب) در آیه مورد بحث اشاره به چه آبی است در

میان مفسران گفتگو است، و در واقع سه تفسیر برای آن ذکر شده.

۱ - منظور آب نطفه است، بسیاری از مفسران این تفسیر را انتخاب کرده‌اند، و در بعضی از روایات نیز به آن اشاره شده است.

مشکلی که در این تفسیر وجود دارد این است که همه جنبندها از آب نطفه به وجود نمی‌آیند، زیرا حیوانات تک سلولی و بعضی دیگر از حیوانات که مصداق جنبنده (دابه) هستند، از طریق تقسیم سلولها به وجود می‌آیند نه از نطفه مگر اینکه گفته شود حکم بالا جنبه نوعی دارد نه عمومی.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۵۰۹

۲ - دیگر اینکه منظور پیدایش نخستین موجود است، زیرا هم طبق بعضی از روایات اسلامی اولین موجودی را که خدا آفریده آب بوده و انسانها را بعد از آن آب آفرید و هم طبق فرضیه‌های علمی جدید نخستین جوانه حیات در دریاها ظاهر شده، و این پدیده قبل از همه جا بر اعماق یا کنار دریاها حاکم شده است.

(البته آن نیروئی که موجود زنده را با آنهمه پیچیدگی در نخستین مرحله به وجود آورد و در مراحل بعد هدایت کرد، یک نیروی ما فوق طبیعی یعنی اراده پروردگار بوده است).

۳ - آخرین تفسیر این است که منظور از خلقت موجودات زنده از آب این است که در حال حاضر آب ماده اصلی آنها را تشکیل می‌دهد و قسمت عمده ساختمان آنها آب است و بدون آب هیچ موجود زنده‌ای نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد.

البته این تفسیرها منافاتی با هم ندارند اما در عین حال تفسیر اول و دوم صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

۲ - پاسخ به یک سؤال

در اینجا سؤالی پیش می‌آید که حیوانات منحصر به این سه گروه نیستند (خزندگان و دو پایان و چهارپایان) بلکه جنبندها زیادی هستند که بیش از چهار پا دارند؟

پاسخ این سؤال در خود آیه نهفته است زیرا در جمله بعد می‌فرماید: یخلق الله

ما یشاء: «خدا هر چه را بخواهد می‌آفریند بعلاوه مهمترین حیواناتی که انسان با آن سر و کار دارد همین سه گروه است، از این گذشته بعضی معتقدند که حتی حیواناتی که بیش از چهار پا دارند تکیه گاه اصلی آنها تنها بر چهار پا است و بقیه بازوهای کمکی آن محسوب می‌شود و.

۳- چهره‌های متنوع حیات

بدون شک عجیبترین پدیده این جهان پدیده حیات است، همان مسأله‌ای که هنوز معمای آن برای دانشمندان گشوده نشده، همه می‌گویند موجودات زنده از مواد بی‌جان این عالم به وجود آمده، اما هیچکس نمی‌تواند دقیقاً تحت چه شرائطی چنین جهشی صورت گرفته، زیرا در هیچ آزمایشگاهی تبدیل موجودات بی‌جان به موجودات زنده هنوز مشاهده نشده است، هر چند هزاران هزار دانشمند در طول سالیان دراز در این باره اندیشیده و آزمایش کرده‌اند. البته شبی از دور در این زمینه در برابر چشم دانشمندان نمایان است، اما تنها شبی است، آنچه مسلم است اسرار حیات و زندگی آنقدر پیچیده است که علوم و دانشهای بشری با تمام گستردگی از کشف و درک آن هنوز عاجز است.

در شرائط فعلی جهان، موجودات زنده تنها از موجودات زنده به وجود می‌آیند، و هیچ موجود زنده‌ای از موجودی بی‌جان پا نمی‌گیرد، ولی مسلماً در گذشته‌های دور چنین نبوده، و به تعبیر دیگر حیات در کره زمین تاریخچه پیدایشی دارد، اما چگونه و با چه شرائطی معمائی است که بر هیچکس روشن نیست.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۵۱۱

و از آن عجیب‌تر تنوع حیات است در اینهمه چهره‌های کاملاً متفاوت، از موجودات زنده تک سلولی که تنها زیر میکروسکوپ پیدا می‌شوند گرفته، تا والهای دریائی کوه پیکر که طول قامتشان از سی متر تجاوز می‌کند، و کوهی است از گوشت شناور!

از حشرات که صدها هزار نوع در آنها مشاهده شده گرفته، تا پرندگانی که در هزاران هزار چهره ظاهر می‌شوند، و هر کدام برای خود عالمی و جهانی پر اسرار دارند.

کتابهای حیوانشناسی که امروز بخش عظیمی از کتابخانه‌های بزرگ جهان

راتشکیل می دهند تنها گوشه‌ای از این اسرار را برای ما بازگو می کنند، مخصوصاً حیوانات دریائی که همیشه دریا دیار عجائب بوده، و با تمام اطلاعاتی که اخیراً از آن داریم معلوماتمان در این زمینه بسیار ناچیز است. به راستی چه بزرگ است خدائی که اینهمه موجودات زنده را با این تنوع وسیع آفریده، و به هر کدام آنچه را نیاز داشتند بخشیده؟ و چه عظیم است قدرت و علمش که برای هر کدام متناسب با شرائط و نیازهایش آنچه را لازم بوده قراردادده است، و عجب اینکه همه آنها در آغاز از یک آب و کمی از مواد ساده زمین آفریده شده است.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۵۱۲

آیه ۴۶ - ۵۰

آیه و ترجمه

لقد انزلنا آیات مبینات والله یهدی من یشاء الی صراط مستقیم ۴۶
و یقولون ءمنا بالله و بالرسول و ءطعنا ثم یتولی فریق منهم من بعد ذلک و
ماءولئک بالمؤمنین ۴۷
و اذا دعوا الی الله و رسوله لیحکم بینهم اذا فریق منهم معروضون ۴۸
و ان یکن لهم الحق یاتوا الیه مذعنین ۴۹
ءفی قلوبهم مرض ءم ارتابوا ءم یخافون ءن یحیف الله علیهم و رسوله بل
ءولئک هم الظالمون ۵۰
ترجمه :

۴۶ - ما آیات روشنگری نازل کردیم و خدا هر که را بخواهد به صراط مستقیم هدایت می کند.
۴۷ - آنها می گویند به خدا و پیامبر ایمان داریم و اطاعت می کنیم، ولی بعد از این ادعا گروهی از آنها رویگردان می شوند، آنها (در حقیقت) مؤمن نیستند.
۴۸ - و هنگامی که از آنها دعوت شود که به سوی خدا و پیامبرش بیایند تا در میان آنان

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۵۱۳

داوری کند گروهی از آنها رویگردان می شوند.
۴۹ - ولی اگر (داوری به نفع آنها بوده باشد و) حق داشته باشند با نهایت

تسلیم به سوی او می آیند.

۵۰ - آیا در دل‌های آنها بیماری است؟ یا شک و تردید دارند؟ یا می‌ترسند خدا و رسولش بر آنها ستم کند؟ اما خود اینها ستمگرند!

شأن نزول:

مفسران برای بخشی از این آیات دو شأن نزول ذکر کرده‌اند: نخست اینکه: یکی از منافقان با یک مرد یهودی نزاعی داشت، مرد یهودی، منافق ظاهر مسلمان را به داوری پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) خواند، اما منافق زیر بار نرفت، و او را به داوری کعب بن اشرف یهودی! دعوت کرد (و حتی طبق بعضی از روایات صریحا گفت ممکن است محمد در مورد ما عدالت را رعایت نکند!) آیات فوق نازل شد و سخت این گونه اشخاص را مورد سرزنش و مذمت قرار داد.

دیگر اینکه در میان امیر مؤمنان علی (علیه السلام) و عثمان (یا طبق روایتی میان آنحضرت و مغیره بن وائل) بر سر زمینی که از علی (علیه السلام) خریداری کرده بود و سنگهایی از آن بیرون آمد و خریدار می‌خواست آن را به عنوان معیوب بودن رد کند، اختلافی در گرفت، علی (علیه السلام) فرمود: میان من و تو رسول الله داوری کند، اما حکم بن ابی العاص که از منافقان بود به خریدار گفت: این کار را مکن، چرا که اگر نزد پسر عموی او - یعنی پیامبر - بروی مسلما به نفع او داوری خواهد کرد! آیه فوق نازل شد و او را سخت نکوهش کرد.

بعد

انفرت

قبل